

مدل‌یابی روابط ساختاری قضاوت اخلاقی و رفتار اخلاقی و بررسی نقش میانجی بنیادهای اخلاقی و همدلی

Modeling the Structural Relationships of Moral Judgment and Moral Behavior and Examining the Mediating Role of Moral Foundations and Empathy

Fatemeh Mollae, PhD student

Susan Alizadefard, PhD[✉]

Mansoure, Nikoogoftar, PhD

فاطمه ملایی^۱

سوسن علیزاده فرد^۲

منصوره نیکوگفتار^۳

Abstract

This study was conducted with the aim of modeling the structural relationships of moral judgment and moral behavior and investigating the mediating role of moral foundations and empathy. The statistical population of the research included all the students of Islamic Azad University of Shahrari branch in the academic year of 1402-1403. From this community, 200 students were selected by available sampling method. Data collection tools included Rust's (1973) short form of moral stories, Swanson and Hill's (1993) 15-item moral behavior inventory, Haight and Graham (2007) 32-item questionnaire and Mehrabian and Epstein's (1972) empathy scale. Data analysis was done using Spearman's correlation in spss_27 program and structural equation analysis in smart_pls program. Data analysis showed that moral judgment has a direct effect on moral behavior. Also, the mediating role of moral foundations in the relationship between moral judgment and moral behavior is rejected but empathy is a mediator between moral judgment and moral behavior.

Keywords: moral judgment, moral behavior, moral foundations, empathy

چکیده

این پژوهش با هدف مدل‌یابی روابط ساختاری قضاوت اخلاقی و رفتار اخلاقی و بررسی نقش میانجی بنیادهای اخلاقی و همدلی انجام شد. مطالعه حاضر از نوع توصیفی-همبستگی بود. جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرری در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ بود. حجم نمونه براساس نظر صاحب‌نظران با روش نمونه‌گیری در دسترس ۲۰۰ نفر انتخاب شد. ابزار گردآوری داده‌های پژوهش شامل فرم کوتاه داستان‌های اخلاقی رست (۱۹۷۳)، فهرست ۱۵ سؤالی رفتار اخلاقی سوانسون و هیل (۱۹۹۳)، مقیاس همدلی مهربان و اپستین (۱۹۷۲) و پرسشنامه بنیان‌های اخلاقی هایت و گراهام (۲۰۰۷) بود. تحلیل آماری داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS27 و تحلیل معادلات ساختاری در برنامه smart PLS انجام شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که قضاوت اخلاقی روی رفتار اخلاقی اثر مستقیم دارد. همچنین نقش میانجی‌گری بنیادهای اخلاقی در رابطه میان قضاوت اخلاقی و رفتار اخلاقی رد می‌شود اما همدلی یک میانجی‌گر میان قضاوت اخلاقی و رفتار اخلاقی است. **واژه‌های کلیدی:** قضاوت اخلاقی، رفتار اخلاقی، بنیادهای اخلاقی، همدلی

دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۶/۱۳ تصویب نهایی: ۱۴۰۳/۱۲/۱۸

۱. گروه روان‌شناسی، واحد تنکابن، دانشگاه آزاد اسلامی، تنکابن، ایران.

۲. گروه روان‌شناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

۳. گروه روان‌شناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

● مقدمه

اخلاق حوزه‌ای از مطالعات فلسفی است که ارزش‌ها، اعمال و انتخاب‌ها را برای تعیین درست و نادرست بودن بررسی می‌کند. اصول اصلی که پایه و اساس رفتار اخلاقی بوده‌اند، هزاران سال پیش توسط فیلسوفان بزرگ ارسطو، افلاطون و سقراط پایه‌گذاری شدند. در قرن چهارم قبل از میلاد، آن‌ها اخلاق را به عنوان «علم اخلاق» تعریف کردند. اخلاق اصول رفتار انسان را مشخص می‌کند. اخلاق اصول اخلاقی را تشکیل می‌دهد و ارزش‌ها بیشتر به مجموعه استانداردهای شخصی یک فرد مرتبط است (احرامی، ۱۴۰۴).

اخلاق مجموعه اصول و ارزش‌ها است. اخلاق الگوی ارتباطی میان افراد با رعایت حقوق افراد است. در واقع، اخلاق مسئولیت‌پذیری در قبال حقوق افراد را مشخص می‌کند. همان‌گونه که اشاره شد، اخلاق مجموعه‌ای از اصول و ارزش‌های معنوی است. بنابراین اخلاقیات با ارزش‌ها ارتباط تنگاتنگی دارند. در واقع اخلاق و رفتار انسان‌ها، ابزاری است که ارزش‌ها را به عمل تبدیل می‌کند. اخلاق یعنی اصول معنوی و ارزش‌هایی که بر رفتار شخص یا گروه، حاکم است و تعیین می‌کند که کار درست چیست و کار نادرست کدام است با این حال برخی دیگر از مسائل مانند اصول و ارزش‌های اخلاقی (مانند دلسوزی ارزش قائل شدن برای دیگران و غیره) به گونه‌ای نیست که بتوان تعریف واضح و روشنی از آنها ارائه کرد؛ از این رو معمولاً این موارد در قوانین جایگاهی ندارند (نیکبخت، مسلمان عبدل آبادی، ۱۴۰۲).

اخلاق یکی از شایستگی‌های رفتاری است، اگرچه به طور خلاصه و کلی به آن پرداخته شده است. علم اخلاق تنها شناخت منش‌های پسندیده و ناپسند نیست، همچنان‌که رفتار بدون شناخت نیز اخلاق به حساب نمی‌آید؛ بلکه شناخت منش‌هایی که به رفتار متناسب با آن منجر می‌شود را اخلاق گویند. علم اخلاق، که عهده‌دار بهبود رفتارهای انسانی است، بهترین نوع صنعت به شمار می‌آید (گرگین کرجی و پوررستم، ۱۴۰۱). اخلاق و رفتار اخلاقی شامل "باید و نباید" شایستگی "صفتی-رفتاری" انسان، منشاً درونی دارد (گرگین کرجی و پوررستم، ۱۴۰۱).

تصمیم‌گیری و رفتار اخلاقی از جمله فعالیت‌های مهم و تأثیرگذار بر زندگی فرد است و دوره نوجوانی، مرکزیت تصمیم‌گیری‌های بسیار مهمی در زندگی است. از دیدگاه روانشناسی تصمیم‌گیری فرآیندی است که نقش جنبه‌های احساسی شناختی انگیزشی یادگیری زمان ادراک اخلاق و رفتار در آن پر رنگ است. همچنین از دیدگاه علوم اعصاب اجتماعی نیز مکانیزم عصبی اهمیت بسیار زیادی در نشان دادن اهداف و نیت فرد دارند. تأثیرگذارترین رویکرد برای ارزیابی تصمیمات و رفتارهای اخلاقی، الگوی رشد شناختی است. مطابق با اصل اساسی این مدل، بلوغ و پیچیدگی استدلال اخلاقی فرد می‌تواند پیش‌بینی‌کننده رفتار اخلاقی او باشد (برون و فولادچنگ، ۱۴۰۱).

اویارزن، گرارد و ساوج (۲۰۲۱) مسئولیت‌پذیری اجتماعی و شهروند مسئولیت‌پذیر را دو واژه‌ای می‌دانند که تحت تأثیر نئولیبرالیسم قرار گرفته است. به عقیده آنها تفکر نئولیبرال، اخلاق را در چارچوب "کاهش خطر و به حداکثر رساندن منفعت"، تعریف می‌کند. بنابراین در چنین تفکری، مسئولیت‌پذیری و شهروند مسئول به طور محتوایی وجود ندارد (باقرزادگان و مرادزاده فرد، ۱۴۰۱).

بناتار، اوپشور و گیل (۲۰۱۸) بر این عقیده هستند که در عصر نئولیبرالیسم، تقویت اخلاق، همکاری بیشتر میان افراد، احترام متقابل، دموکراسی عمیق‌تر و بهبود عدالت اجتماعی می‌تواند توسعه پایداری را به عنوان یک اصل تسهیل کند. با این وجود، در نهایت، چنین پیشرفتی مستلزم دگرگونی قدرت سیاسی و همچنین، سیاست‌هایی است که مبتنی بر تعهدات اخلاقی جدید باشد. به عقیده مک لود (۲۰۱۷) معانی اخلاق و مسئولیت‌پذیری اجتماعی را نمیتوان با مولفه‌های نئولیبرالیسم یعنی رقابت، انتخاب منطقی، کارآفرینی، سرمایه‌گذاری شخصی درک کرد، زیرا این مولفه‌ها بر مبنای منافع فردی استوار است، در حالی که اخلاق، منافع عموم را در نظر دارد (باقرزادگان و مرادزاده فرد، ۱۴۰۱).

با اینکه موضوع اخلاق از دیرباز مورد علاقه اندیشمندان بوده است، اما قدمت مطالعه علمی آن در روان‌شناسی چندان زیاد نیست. در نظریه‌های اولیه مربوط به رشد اخلاقی، رفتار اخلاقی معادل با قضاوت اخلاقی در فرد استنباط می‌شود به عبارت دیگر استدلال اخلاقی الزاماً به رفتار اخلاقی می‌انجامد (سانتراک، ۲۰۱۴).

مهم‌ترین کاستی نظریه کهلبرگ این است که نتوانسته است قضاوت و رفتار اخلاقی را متمایز کند؛ درحالی‌که در دوره‌های بعدی (دوره پس از کهلبرگ) اندیشمندان رشد اخلاقی این باور را مورد تردید قرار دادند که عمل اخلاقی ضرورتاً از قضاوت اخلاقی نشأت می‌گیرد و به نقش احتمالی عوامل میانجی قضاوت و رفتار اخلاقی هم پرداخته شد.

در این راستا نظریه بنیادهای اخلاقی (هایت و جوزف، ۲۰۰۴؛ هایت و گراهام، ۲۰۰۷) شهودهای اخلاقی مردم جهان از فرهنگ‌های متنوع را بر ۵ نوع اساسی مراقبت / آسیب، انصاف (care-harm) / تقلب، وفاداری (fairness-cheating) / خیانت، اطاعت (loyalty- betrayal) / براندازی، اقتدار (authority-subversion) / تقدس، تنزل (sanctity-degradation)؛ دانسته و آنها را بنیادهای اخلاق شمرده است. براساس این نظریه نوع بشر با آمادگی برای یادگیری باورهای اخلاقی و تبعیت از قوانین مبتنی بر این ۵ بنیاد متولد می‌شود و بسته به خرده فرهنگی که فرد در آن رشد می‌کند، برخی بنیادها کاملاً بالیده می‌شوند، درحالی‌که برخی دیگر تقریباً نرفته باقی می‌ماند. به این ترتیب نیمرخ اخلاقی خاص هر فرد با گروهی که بیانگر حساسیت‌ها یا ملاک‌های آنها برای ارزیابی درست / غلط یا خوب / بد است، بر بنیان این پنج بنیاد شکل می‌گیرد (نجات و حاتمی، ۱۳۹۸).

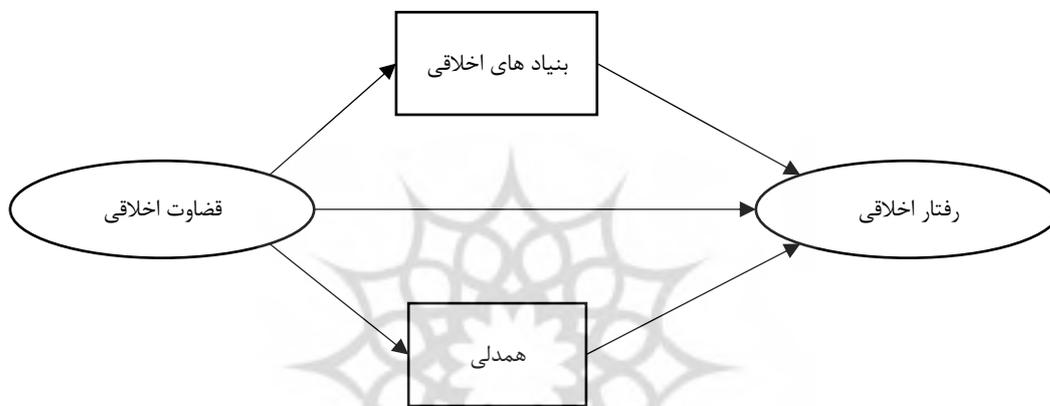
همدلی از جمله پدیده‌های مربوط به حوزه شناخت اجتماعی است که اهمیت فراوانی در روابط بین فردی دارد و از ارتباط بین خود و دیگری ناشی می‌شود. همدلی نوعی ظرفیت در ما انسان‌هاست که به ما کمک می‌کند تا تجارب عاطفی دیگران را درک کنیم و پاسخ مناسبی به آن‌ها دهیم (موسویان، اسرافیلیان، ۱۴۰۲).

بنابراین با توجه به اینکه بسیاری از پژوهشگران به این نتیجه رسیدند که رابطه قضاوت اخلاقی و رفتار اخلاقی بسیار ضعیف است (نمی‌توان گفت فردی که قضاوت اخلاقی قوی‌تری دارد برخوردار از رفتار اخلاقی بهتری است و برعکس افرادی که دارای رفتار اخلاقی بهتری هستند؛ برخوردار از سطح استدلال اخلاقی بالاتر در مقایسه با دیگران هستند)؛ و با در نظر گرفتن این موضوع که درک فرایندهای زیربنایی شناخت اخلاقی تلاشی پویا در روان‌شناسی است که مدت‌هاست در فلسفه و روان‌شناسی از سناریوهایی برای مطالعه قضاوت اخلاقی استفاده می‌شود (آقابابایی و حاتمی، ۱۳۹۱) و همچنین رشد اخلاقی که به‌عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار بر همدلی شناخته شده است و یک فرایند موازی با رشد روان‌شناختی به حساب می‌آید (آهونن، ۲۰۱۲)، در این پژوهش متغیرهای بنیادهای اخلاقی و همدلی به‌عنوان عوامل میانجی انتخاب شدند تا در ارتباط ساختاری بین قضاوت اخلاقی و رفتار اخلاقی مورد بررسی واقع شوند.

نتایج تحقیق کرمشاهی و خادمی (۱۴۰۳) نشان می‌دهد درک منشور اخلاق حرفه‌ای، هوش هیجانی و هوش معنوی، رابطه مثبت و معناداری با رفتار اخلاقی دانشجویان حسابداری دارند (کرمشاهی و خادمی ۱۴۰۳). نتایج پژوهش نیکبخت و مسلمان عبدالآبادی (۱۴۰۲) بیانگر تأثیر هر ۱۰ مؤلفه هوش اخلاقی، بر قضاوت حرفه‌ای حساب‌برسان است که در میان آنها، مؤلفه‌های وفای به عهد، اقرار به اشتباه‌ها و شکست‌ها و توانایی در بخشش اشتباه‌های خود، بیشترین تأثیر را بر قضاوت حرفه‌ای حساب‌برسان نشان دادند (نیکبخت، مسلمان عبدالآبادی، ۱۴۰۲). پژوهش برون و فولادچنگ (۱۴۰۱)، نشان داد با توجه به تأیید تأثیر خودارزیابی مرکزی بر تصمیم‌گیری و رفتار اخلاقی می‌توان بیان کرد که آموزش خودارزیابی مرکزی به‌عنوان یک مداخله مستقیم روان‌شناختی می‌تواند بر کارکرد شناختی تصمیم‌گیری و رفتار اخلاقی نوجوانان دختر پایه نهم تأثیرگذار باشد و بر کیفیت تصمیم‌گیری و رفتار اخلاقی آنان بیفزاید (برون و فولادچنگ، ۱۴۰۱). بر اساس یافته‌های کوهیان افضل دهکردی و محمدی (۱۴۰۱) می‌توان دریافت که هویت اخلاقی رابطه عملکرد خانواده و رفتار اخلاقی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. همچنین عملکرد خانواده در حیطه‌های همراهی عاطفی و نقش‌ها بر هویت اخلاقی و رفتار اخلاقی، به‌طور مستقیم و غیر مستقیم اثر گذار است (کوهیان افضل دهکردی، محمدی، ۱۴۰۱). نتایج تحقیق اردشیر لاریجانی و سید جابر (۱۴۰۱) نشان داد اولاً همدلی به مثابه عنصری قوام بخش در تبیین قضاوت اخلاقی موجه است، ثانیاً گرچه نمی‌توان به صورت کلی همه اقسام همدلی (شناختی / عاطفی) را برای قضاوت اخلاقی ضروری دانست و تأثیرات آن را کاملاً مثبت ارزیابی کرد، دست کم می‌توان نشان داد که همدلی شناختی عنصری مثبت در قضاوت اخلاقی است. تان فان و همکاران (۲۰۲۱) در پژوهش خود نشان می‌دهند که عوامل انسانی، به ویژه هوش هیجانی، بر قضاوت حساب‌برس و پایداری حرفه‌ای وی تأثیر می‌گذارد (نیکبخت، مسلمان عبدالآبادی، ۱۴۰۲).

با توجه به پژوهش‌های انجام‌شده که بیشتر به تفاوت‌های فردی در این زمینه پرداخته‌اند، لازم بود تا به سمت دید جامع‌تری حرکت

شود، و مسیر پژوهش‌ها به سمت شناخت روشن‌سازتری پیش رود. بنابراین با بررسی مطالعات گوناگون در این حوزه برآن شدیم تا از بعد جامع‌تری به مطالعه این موضوع پرداخته و سهم عوامل درونی را با در نظر گرفتن مؤلفه عوامل بیرونی به صورت توأمان، بررسی کنیم. در پژوهش حاضر به رابطه میان قضاوت اخلاقی و رفتار اخلاقی پرداخته شده است. گرچه در پژوهش‌های انجام‌شده در این راستا به نقش عوامل مؤثر بر ارتباط مذکور توجه شده است، به طوری که یا عوامل درونی و تفاوت‌های فردی (مانند: عوامل انگیزشی، همدلی و ...) بررسی شده یا عوامل بیرونی که در راستای تفاوت‌های فرهنگی است، توجه شده است. اما نوآوری این پژوهش پرداختن به تفاوت‌های فردی (همدلی) و تفاوت‌های میان فرهنگی (که بنیادهای اخلاقی براساس آن تدوین شده است و به عبارت دیگر تفاوت فردی که مبنای میان فرهنگی دارد)، به صورت توأمان است تا دید جامع‌تر و کلی‌تر به شناخت رابطه مذکور دهد و راهگشای روشن‌تری برای تحقیقات آتی باشد. فرضیه‌های پژوهش بدین صورت است: قضاوت اخلاقی بر رفتار اخلاقی اثر مستقیم دارد. بنیادهای اخلاقی بر رفتار اخلاقی اثر مستقیم دارد. همدلی بر رفتار اخلاقی اثر مستقیم دارد. قضاوت اخلاقی بر رفتار اخلاقی از طریق بنیادهای اخلاقی اثر غیر مستقیم دارد. قضاوت اخلاقی بر رفتار اخلاقی از طریق همدلی اثر غیرمستقیم دارد. مدل مفهومی پیشنهادی پژوهش در شکل ۱ آمده است.



شکل ۱. مدل مفهومی تحقیق

• روش

مطالعه حاضر از نوع توصیفی-همبستگی (تحلیل مسیر) بود. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه دانشجویان دختر و پسر مشغول به تحصیل در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد، دکترای تخصصی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرری در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳ بود. حجم نمونه براساس نظر صاحب نظران با روش نمونه‌گیری در دسترس، ۲۰۰ نفر انتخاب شد. تحلیل آماری داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS 27 و تحلیل معادلات ساختاری در smart PLS انجام شد. جهت رعایت نکات اخلاقی، پرسشنامه‌ها بدون نام بودند و پاسخ‌گویی به سؤالات اختیاری بود. شرکت‌کنندگان این اختیار را داشتند که اگر مایل به ادامه همکاری نبودند از ادامه و تکمیل پرسشنامه‌ها انصراف دهند.

• ابزارها

الف) فرم کوتاه داستان‌های اخلاقی (short form of moral stories- SFMS): در این پژوهش از «فرم کوتاه داستان‌های اخلاقی» رست (۱۹۷۳)، استفاده شد که شامل سه داستان است. این داستان‌ها معماهای اخلاقی هستند و فرد پس از خواندن هر داستان، باید موارد خواسته شده را پاسخ گوید (کدیور، ۱۳۷۸). کدیور در تحقیقی، رابطه میان استدلال انتزاعی، کلامی و فضایی با این آزمون را مورد بررسی قرار داده و رابطه معناداری میان نمرات آزمون استدلال اخلاقی و متغیرهای شناختی مذکور به دست آورده است. دیویسن و رایبیز (۱۹۸۷)، در پژوهش خود در زمینه اعتبار فرم کوتاه آن، ضریب آلفای کرونباخ این آزمون را در حدود ۰/۷۰ گزارش کردند، همچنین ضریب اعتبار داخلی این آزمون با استفاده از روش بازآزمایی ۰/۸۳ گزارش شده است (کدیور، ۱۳۷۸).

ب) فهرست ۱۵ سؤالی رفتار اخلاقی (checklist of moral behavior 15 questions- CMBQ): این فهرست را سوانسون و هیل (۱۹۹۳)، تهیه و توسط کدیور (۱۳۸۷)، به فارسی ترجمه و به کار گرفته شد. کدیور روند احراز روایی را برای ابزار فوق پیگیری کرده و در نهایت ۶۰ درصد متخصصان مربوطه نظر موافق خود را در رابطه با سؤالات فهرست اعلام نموده‌اند. سوانسون و هیل ضریب اعتبار این فهرست را با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۶ محاسبه کرده‌اند. کدیور نیز ضریب اعتبار داخلی این فهرست را برابر با ۰/۷۸ به دست آورده است.

ج) مقیاس همدلی هیجانی (emotional empathy scale- EES): این مقیاس خودسنجی که میزان همدلی فرد را می‌سنجد، تک‌عاملی و شامل ۳۳ ماده است و ماده‌ها براساس مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت نمره‌گذاری می‌شوند. بدین ترتیب دامنه نمره بین ۳۳ تا ۱۶۵ خواهد بود. برخی از ماده‌ها به دلیل ماهیت و محتوای آنها، به صورت معکوس (ماده‌های ۲، ۳، ۶، ۱۱، ۱۳، ۱۵، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۶، ۲۸، ۳۰، ۳۲، ۳۳) نمره‌گذاری می‌شوند. مهراییان و اپستین (۱۹۷۲)، برای تعیین روایی این ابزار از روش تحلیل عاملی استفاده و اعتبار آن را براساس ضریب آلفای کرونباخ، ۸۴ درصد گزارش کرده‌اند. در ایران نیز بشارت و همکاران (۱۳۹۰)، روایی سازه این مقیاس را از طریق تحلیل عاملی اکتشافی، بررسی و تأیید کردند و ضریب آلفای کرونباخ ۹۱ درصد را به دست آوردند.

د) پرسشنامه بنیان‌های اخلاقی (moral foundations questionnaire_ MFQ): پرسشنامه بنیان‌های اخلاقی توسط هایت و گراهام (۲۰۰۷)، به منظور ارزیابی و سنجش ابعاد اخلاق ساخته شده و دارای ۳۲ ماده در دو قسمت است. این پرسشنامه شامل ۵ مولفه مراقبت- آسیب، انصاف، وفاداری به گروه، احترام به مرجعیت و خلوص است. ماده‌های بخش اول پرسشنامه شامل ۱۱ تا ۱۶ است. که براساس طیف لیکرت ۵ درجه‌ای (از اصلاً نمره صفر تا خیلی زیاد است نمره ۵) نمره‌گذاری می‌شود. بخش دوم نیز شامل ۱۷ تا ۳۲ است که براساس طیف لیکرت ۵ درجه‌ای (از کاملاً مخالف تا کاملاً موافقم نمره ۵) نمره‌گذاری می‌شود. عبارات ۶ و ۲۲ نمره‌گذاری نمی‌شوند. در پژوهش سیفی قوزلو (۱۳۹۱)، اعتبار با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۷۹ و همچنین خرده‌مقیاس‌های مراقبت- آسیب (۰/۵۸)، انصاف (عدالت) (۰/۷۹)، وفاداری به گروه (۰/۶۱)، احترام به مرجعیت (۰/۷۰) و خلوص (۰/۷۳) به دست آمده است.

• یافته‌ها

از مجموع پاسخ‌دهندگان ۱۴۴ نفر زن و ۵۷ نفر مرد بودند که از این تعداد ۶۴ درصد مجرد و ۶ درصد متأهل بودند، همچنین ۳۹ درصد شرکت‌کنندگان با مدرک تحصیلی دیپلم، ۱۰ درصد فوق دیپلم، ۳۱ درصد لیسانس، ۱۵ درصد فوق لیسانس و ۴ درصد دکتری بودند. ۵۷ درصد شرکت‌کنندگان کمتر از ۳۱ سال داشتند و ۲۸ درصد آنان بیشتر از ۴۰ سال داشتند، مابقی (۱۵ درصد) بین ۳۱ تا ۴۰ سال داشتند.

نمرات شرکت‌کنندگان در متغیرهای مختلف بررسی شد که نتایج میانگین و انحراف معیار آنها در جدول ۱ نمایش داده شده است.

جدول ۱. میانگین (انحراف معیار) مقیاس‌های پرسشنامه‌های مورد مطالعه

مقیاس	زیر مقیاس	کمترین	بیشترین	میانگین (انحراف معیار)
بنیادهای اخلاقی	مراقبت و آسیب	۱۲	۲۹	۲۲/۰۰ (۳/۲۹)
	انصاف	۷	۳۰	۲۳/۲۲ (۳/۵۹)
	وفاداری به گروه	۱۰	۳۰	۲۰/۹۹ (۳/۸۳)
	احترام به مرجعیت	۶	۳۰	۲۰/۲۵ (۴/۵۰)
	اخلاص و تقدس	۲	۳۰	۲۲/۱۵ (۵/۰۲)
قضاوت اخلاقی		۷۴	۱۵۹	۱۰۹/۳۶ (۱۳/۲۳)
رفتار اخلاقی		۲۹	۷۵	۴۰/۱۳ (۷/۰۰)
همدلی		۸۲	۱۳۴	۱۰۸/۱۹ (۹/۴۲)

برای بررسی همبستگی میان مقیاس‌ها از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شد که نتایج در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲. ضریب همبستگی اسپیرمن میان مقیاس‌های مورد مطالعه

بنیادهای اخلاقی	همدلی	قضاوت اخلاقی	رفتار اخلاقی
			۱
		۱	**۰/۲۴
	۱	*۰/۱۶	**۰/۲۷
۱	۰/۱۳	۰/۰۴	**۰/۳۱

* معناداری در سطح ۰/۰۵، ** معناداری در سطح ۰/۰۰۱

همان‌طور که از جدول ۲ مشخص است بیشترین همبستگی میان بنیادهای اخلاقی و رفتار اخلاقی است. یکی از ابزارها در نمایش برازنده بودن مدل، اندازه اعتبار ترکیبی (composite reliability) و آلفای کرونباخ است. مقدار مطلوب هر دو شاخص عددی بالاتر از ۰/۷۰ است. جدول ۳ اندازه هر دو شاخص را گزارش نموده است.

جدول ۳. گزارشی از اعتبار پرسشنامه‌ها با معیار آلفای کرونباخ

اعتبار ترکیبی	آلفای کرونباخ	تعداد ماده	مقیاس
۰/۷۵	۰/۷۱	۱۵	رفتار اخلاقی
۰/۷۶	۰/۷۴	۳۶	قضاوت اخلاقی
۰/۷۱	۰/۶۹	۳۳	همدلی
۰/۸۶	۰/۸۵	۳۲	بنیادهای اخلاقی

اندازه شاخص آلفای کرونباخ و شاخص اعتبار ترکیبی برای همه مقیاس‌ها در حد مطلوب است؛ البته در مقیاس همدلی میزان آلفای کرونباخ ۰/۶۹ است که در حد متوسط است.

ارزایی روایی ممیزی (discriminant validity)، شاخص توانایی یک مدل در افتراق ماده‌های یک مقیاس از ماده‌های مقیاس دیگر را می‌سنجد. معیار سنجش روایی واگرا شاخص فورنل و لاکر است که در خروجی برنامه اسمارت پی ال اس به صورت ماتریس گزارش می‌گردد (جدول ۴).

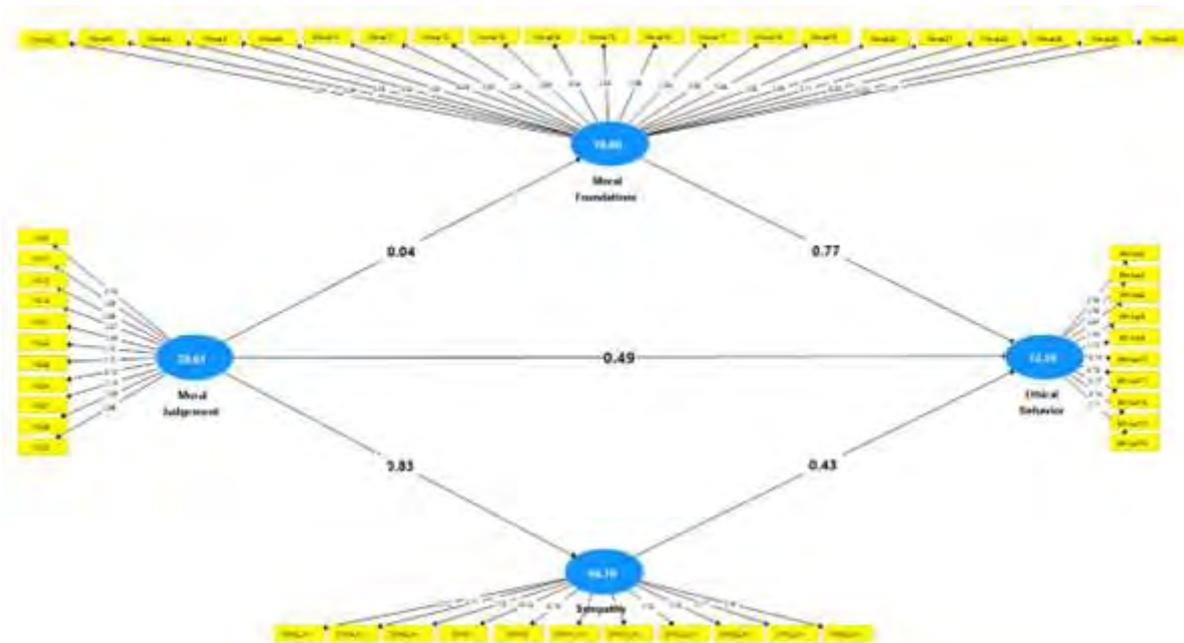
جدول ۴. گزارشی نتایج روایی ممیزی با استفاده از روش فورنل-لاکر

مقیاس	رفتار اخلاقی	بنیادهای اخلاقی	قضاوت اخلاقی	همدلی
رفتار اخلاقی	۰/۷۴۱			
بنیادهای اخلاقی	۰/۶۲۴	۰/۷۰۷		
قضاوت اخلاقی	۰/۵۲۴	۰/۳۲۴	۰/۷۰۰	
همدلی	۰/۵۹۳	۰/۶۱۰	۰/۱۹۷	۰/۷۱۴

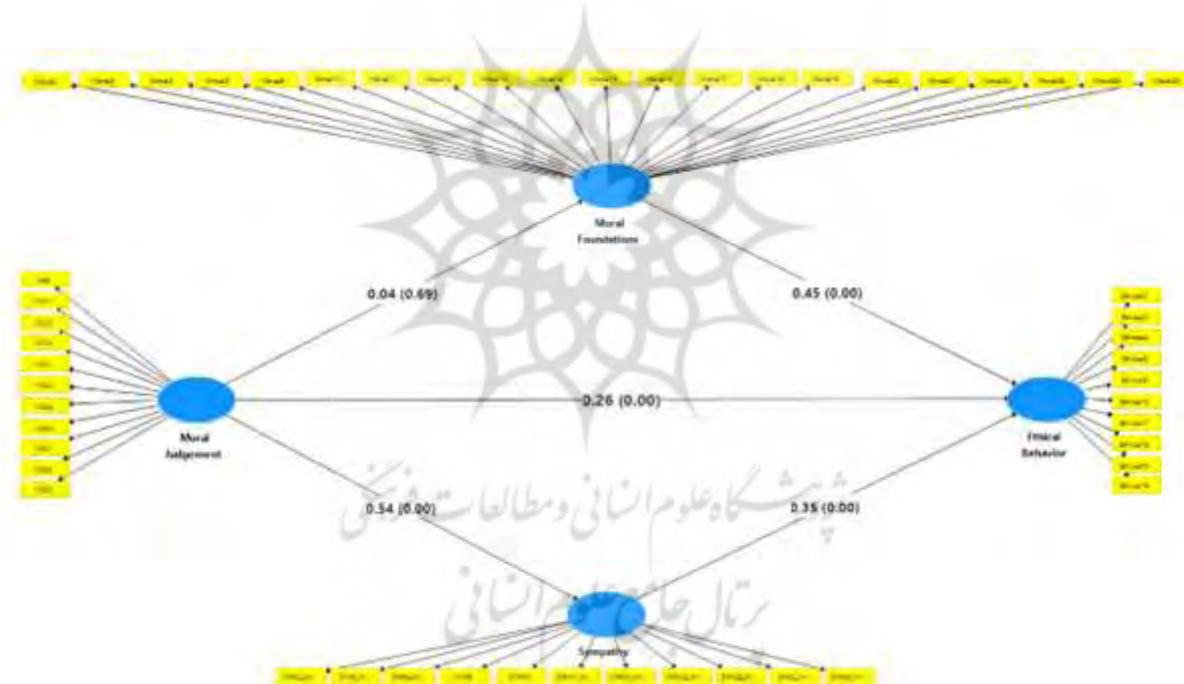
در این ماتریس، اعضای روی قطر اصلی ماتریس، جذر مقادیر واریانس استخراج شده در بخش قبلی است. سایر آرایه‌ها در ماتریس، همبستگی میان هر مقیاس با مقیاس دیگر است. شاخص فورنل-لاکر بیان می‌کند که جذر اندازه واریانس استخراج شده بایستی از اندازه همبستگی آن مقیاس با سایر مقیاس‌ها بزرگتر باشد. این تعریف برای تمامی مقیاس‌ها برقرار است.

به منظور تبیین الگوی ارتباطی روابط ساختاری قضاوت اخلاقی و رفتار اخلاقی و بررسی نقش میانجی بنیادهای اخلاقی و همدلی از روش الگویابی معادلات ساختاری استفاده شد. شکل ۲ و ۳ الگوی آزمون شده پژوهش با ضرایب رگرسیونی استاندارد نشده و استاندارد شده به همراه مقدار احتمال (P-value) را نشان می‌دهد.

نخستین فرضیه در خصوص رابطه میان قضاوت اخلاقی و رفتار اخلاقی است. شکل ۲ و ۳ نشان می‌دهد که قضاوت اخلاقی روی رفتار اخلاقی اثر معنادار دارد ($P\text{-value} < 0.001$). لذا می‌توان بیان نمود که تغییرات در اندازه نمره قضاوت اخلاقی روی نمره رفتار اخلاقی تاثیر معنادار دارد. بر همین اساس می‌توان بیان کرد که هر یک نمره افزایش در مقیاس بنیاد اخلاقی بطور متوسط به اندازه ۰/۲۶ به نمره رفتار اخلاقی افزوده می‌شود.



شکل ۲. مدل معادلات ساختاری با ضرایب رگرسیونی استاندارد نشده



شکل ۳. مدل معادلات ساختاری شامل ضرایب رگرسیونی استاندارد شده به همراه مقدار احتمال (P-value)

شکل ۲ و ۳ نشان می‌دهد که تاثیر بنیاد اخلاقی بر روی رفتار اخلاقی معنادار می‌باشد ($P\text{-value} < 0.001$). بر همین اساس می‌توان بیان کرد که هر یک نمره افزایش در مقیاس بنیاد اخلاقی بطور متوسط به اندازه ۰/۴۵ به نمره رفتار اخلاقی افزوده می‌شود. شکل ۲ و ۳ نشان می‌دهد که هم‌دلی یک متغیر پیشگوی معنادار روی رفتار اخلاقی است ($P\text{-value} < 0.001$) طوریکه هر یک واحدی که به نمره هم‌دلی افزوده می‌شود، با ثابت در نظر گرفتن نقش سایر عوامل، انتظار می‌رود بطور متوسط ۰/۳۵ به نمره رفتار اخلاقی اضافه گردد.

برای پاسخ به فرضیه قضاوت اخلاقی بر رفتار اخلاقی از طریق بنیادهای اخلاقی اثر غیرمستقیم دارد، بایستی از آزمون سوبل (Sobel test) استفاده نمود. فرمول محاسبه اندازه آماره Z بصورت زیر است.

$$Z - value = \frac{a * b}{\sqrt{(b^2 * s_a^2) + (a^2 * s_b^2) + (s_a^2 * s_b^2)}}$$

که a برابر با ضریب مسیر استاندارد نشده میان متغیر مستقل و میانجی است. نشانگر b برابر با ضریب مسیر استاندارد نشده میان متغیر میانجی و وابسته است. نشانگر S_a^2 و S_b^2 به ترتیب برابر با خطای معیار رابطه رگرسیونی است. مقدار a و b را از خروجی برنامه اسمارت پی ال اس داریم اما برای مقادیر خطای معیار از برنامه SPSS کمک می‌گیریم. بدین منظور برای هر مسیر یک رگرسیون خطی برازش داده و مقدار خطای معیار آن را در رابطه قرار می‌دهیم.

$$Z = \frac{0.04 * 0.77}{\sqrt{(0.77^2 * 0.082^2) + (0.04^2 * 0.032^2) + (0.082^2 * 0.032^2)}} = \frac{0.031}{0.063} = 0.49, P. value = 0.626$$

با توجه به اینکه اندازه آماره Z کوچکتر از $1/96$ است، بنیادهای اخلاقی در رابطه میان قضاوت اخلاقی و رفتار اخلاقی نقش میانجی (اثر غیر مستقیم) بازی نمی‌کند. بررسی ضرایب رگرسیونی نشان می‌دهد که رابطه میان قضاوت اخلاقی و بنیادهای اخلاقی معنادار نیست.

در مورد فرضیه قضاوت اخلاقی بر رفتار اخلاقی از طریق همدلی اثر غیرمستقیم دارد، نیز از آزمون سوبل استفاده می‌نماییم.

$$Z = \frac{0.83 * 0.43}{\sqrt{(0.43^2 * 0.051^2) + (0.83^2 * 0.052^2) + (0.051^2 * 0.052^2)}} = \frac{0.357}{0.048} = 7.36, P. value < 0.001$$

با توجه به اینکه اندازه آماره Z بزرگتر از $1/96$ است، لذا فرضیه مطرح شده درباره نقش میانجی همدلی در رابطه میان قضاوت اخلاقی و رفتار اخلاقی تایید می‌گردد.

• بحث

پژوهش حاضر با هدف شناخت رابطه قضاوت اخلاقی و رفتار اخلاقی با میانجی‌گری بنیان‌های اخلاقی و همدلی در دانشجویان انجام گرفت. نتایج به دست آمده حاکی از برازش الگوی مفهومی پیشنهادی با داده‌ها بود. نتایج نشان داد که قضاوت اخلاقی روی رفتار اخلاقی اثر معنادار دارد. به طوری که در هریک نمره افزایش در مقیاس قضاوت اخلاقی به طور متوسط به اندازه $0/26$ به نمره رفتار اخلاقی افزوده می‌شود. نتایج حاضر با پژوهش برون و فولادچنگ (۱۴۰۱)، مبنی بر تأیید تأثیر خودارزیابی مرکزی بر تصمیم‌گیری و رفتار اخلاقی همسو است. همچنین نتایج نشان داد مؤلفه بنیادهای اخلاقی بر رفتار اخلاقی معنادار است. بر همین اساس می‌توان بیان کرد که هریک نمره افزایش در مقیاس بنیاد اخلاقی به طور متوسط به اندازه $0/45$ به نمره رفتار اخلاقی افزوده می‌شود. این یافته‌ها با نتایج پژوهش نیکبخت و مسلمان عبدل آبادی (۱۴۰۲) که بیانگر تأثیر مؤلفه‌های هوش اخلاقی، بر قضاوت حرفه‌ای حساب‌رسان است همسو است.

نتایج دیگر این تحقیق نشان می‌دهد همدلی یک متغیر پیشگوی معنادار روی رفتار اخلاقی است. هریک واحدی که به نمره همدلی افزوده می‌شود، با ثابت در نظر گرفتن نقش سایر عوامل، انتظار می‌رود به طور متوسط $0/35$ به نمره رفتار اخلاقی اضافه گردد. این یافته‌ها با نتایج تحقیق اردشیر لاریجانی و سیدجابر (۱۴۰۱) که همدلی را به مثابه عنصری قوام بخش در تبیین قضاوت اخلاقی موجه و همدلی شناختی را عنصری مثبت در قضاوت اخلاقی نشان داد، همخوانی دارد. همچنین با یافته‌های کوهیان افضل دهکردی و محمدی (۱۴۰۱) که نشان‌دهنده اثر مستقیم و غیرمستقیم عملکرد خانواده در حیطه‌های همراهی عاطفی و نقش‌ها بر هویت اخلاقی و رفتار اخلاقی است، همسو است.

یافته‌های دیگر این پژوهش نشان داد بنیادهای اخلاقی در رابطه میان قضاوت اخلاقی و رفتار اخلاقی نقش میانجی (اثر غیرمستقیم) بازی نمی‌کند. رابطه میان قضاوت اخلاقی و بنیادهای اخلاقی نیز معنادار نیست. اما همدلی در رابطه میان قضاوت اخلاقی و رفتار

اخلاقی نقش میانجی دارد. در مجموع می‌توان بیان نمود که قضاوت اخلاقی به صورت مستقیم روی رفتار اخلاقی اثر معنادار دارد و همچنین به صورت غیرمستقیم و از طریق میانجی‌گری همدلی روی رفتار اخلاقی اثر دارد. یافته‌های کلی با پژوهش تان فان و همکاران (۲۰۲۱) که بیانگر تاثیر عوامل انسانی، بر قضاوت حسابرس و پایداری حرفه‌ای است نیز همسو است.

• نتیجه‌گیری

این پژوهش نشان داد قضاوت اخلاقی روی رفتار اخلاقی اثر مستقیم دارد. همچنین نقش میانجی‌گری بنیادهای اخلاقی در رابطه میان قضاوت اخلاقی و رفتار اخلاقی رد می‌شود. اما همدلی یک میانجی‌گر میان قضاوت اخلاقی و رفتار اخلاقی است. در تبیین این نتایج می‌توان بیان داشت که در کنار تقویت قضاوت‌های اخلاقی، همدلی رفتاری جهان شمول و فراتر از تفاوت‌های بین‌فرهنگی بوده که می‌تواند بر رفتار اخلاقی فرد و تصمیمات کوچک و بزرگ او تأثیرگذار باشد. بنابراین تقویت کیفیت همدلی در افراد می‌تواند در نوع سبک زندگی و خط‌مشی آنها مؤثر بوده و در تصمیمات دشوار و تنگناها راهنمای مناسبی باشد. با توجه به نتایج این پژوهش و پژوهش‌های مرتبط پیشنهاد می‌شود جهت بهبود کیفیت رفتار اخلاقی در نسل‌های آینده، به مقوله همدلی در بسته‌های آموزش فرزندپروری و ارتباط مادر و کودک توجه ویژه شود. همچنین در آموزش‌های مهارت بین‌فردی به صورت الگوهای عملی برجسته سازی شود. همچنین از نتایج این پژوهش می‌توان برای ارتقاء کیفیت نیروی انسانی در سازمان‌ها و صنعت بهره جست.

از محدودیت‌های این پژوهش آن بود که سنجش نظری واکنش افراد از موقعیت‌های مطرح شده در سناریوهای قضاوت اخلاقی ممکن است با سنجش عملی آنها در موقعیت‌های واقعی، متفاوت باشد. همچنین باید به این مسئله اشاره کرد که نتایج حاصل از این پژوهش صرفاً مربوط به دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام است که در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳ مشغول به تحصیل بودند. علاوه بر این به عواملی مانند سن، مقطع تحصیلی، تأهل و جنس توجه نشده است، در صورتی که ممکن است نقش تعدیل‌کنندگی داشته باشند؛ لذا در تعمیم نتایج آن باید جانب احتیاط رعایت شود.

• تعارض منافع

هیچ‌گونه تعارضی بین نویسندگان وجود ندارد.

• تشکر و قدردانی

از تمامی شرکت‌کنندگان در پژوهش که ما را در راستای اهداف این تحقیق یاری کردند سپاسگزار می‌شود.

• منابع

- احرامی سجاده. پشتوانه حقوقی ارزش‌های اخلاقی ایجادکننده امنیت زن در خانواده. *اخلاق در علوم و فناوری*. ۱۴۰۴؛ ۲۰ (۱): ۷-۱.
- اردشیرلاریجانی، مریم، و نیکو، سیدجابر. (۱۴۰۱). همدلی در اخلاق؛ بررسی تأثیر همدلی بر قضاوت اخلاقی. *تقد و نظر*، ۲۷ (۴) (پیاپی)، ۳۷-۵۸.
- باقرزادگان، رضا، مراد زاده فرد، مهدی، بنی مهد، بهمن، و پورزمانی، زهرا. (۱۴۰۱). تأثیر نئولیبرالیسم بر قضاوت اخلاقی حساب‌سازان. *حسابداری و منافع اجتماعی*، ۱۲ (۴)، ۱۱۵-۱۳۴.
- برون، سیما، و فولادچنگ، محبوبه. (۱۴۰۲). اثربخشی آموزش خودارزیابی مرکزی بر تصمیم‌گیری اخلاقی و رفتار اخلاقی نوجوانان. *مجله دانشگاه علوم پزشکی سبزوار*، ۳۰ (۳)، ۳۷۴-۳۸۳.
- بشارت، م.، خدابخش، م.، فراهانی، ح. و رضازاده، س. م. (۱۳۹۰). نقش واسطه‌ای خودشیفتگی در رابطه بین همدلی و کیفیت روابط بین شخصی. *فصلنامه روانشناسی کاربردی*، ۵ (۱)، ۲۳-۷.
- حاتمی، جواد؛ ناصر، آقابابایی؛ (۱۳۹۱)، نقش فرد و موقعیت در قضاوت اخلاقی، *معرفت اخلاقی*، دوره ۳، شماره ۲، ص ۷۳ تا ۸۸.
- سیفی، قوزلو، سید جواد. (۱۳۹۱). بررسی رابطه بین اخلاق و ارزش‌های شخصی با رضایت زناشویی در معلمان و همسران آن‌ها در شهرستان مغان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران.

- کدیور، پروین (۱۳۷۸)، بررسی نقش استدلال های اخلاقی و نحوه تعامل معلم در رشد اخلاقی دانش آموزان. پژوهشکده تعلیم و تربیت پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش، ۴۸، ۶۹-۴۷.
- کرمشاهی بهنام، خادمی ساسان. رابطه درک منشور اخلاق حرفه ای و هوش با رفتار اخلاقی در دانشجویان حسابداری. *اخلاق در علوم و فناوری*. ۱۴۰۳؛ ۱۹ (۳): ۱۹۹-۱۹۴.
- کوهیان افضل دهکردی، الهام، محمدی، کوروش، و سماوی، سیدعبدالوهاب. (۱۴۰۱). تعیین نقش واسطه ای هویت اخلاقی در تاثیر عملکرد خانواده بر رفتار اخلاقی دانشجویان دختر دانشگاه هرمزگان. *دانش و پژوهش در روان شناسی کاربردی*، ۲۳ (۱ (پیاپی ۸۷))، ۸۹-۹۹.
- گرگین کرگی، آرش، پوررستم، توحید، عباسیان جهرمی، حمیدرضا، منجمی نژاد، سهیل. (۱۴۰۱). سنجش عملکرد مهندسان در رفتار اخلاقی با کارفرمایان و همکاران بر اساس نظامنامه رفتار حرفه ای اخلاقی در مهندسی. *پژوهشی مهندسی سازه و ساخت*، دوره ۹، شماره ۱۲، سال ۱۴۰۱، ص ۲۴-۴۲.
- موسویان، سیدمهدی، اسرافیلیان، فروغ، فراهانی، حجت اله (۱۴۰۲). رابطه خودتفسیری و آشفستگی شخصی با همذلی، *دوفصلنامه علمی روانشناسی بالینی و شخصیت*، دوره ۲۱، شماره ۲، پیاپی ۴۱، پاییز و زمستان ۱۴۰۲، ص ۱۱۷-۱۲۸.
- نجات، پگاه؛ حاتمی، جواد؛ (۱۳۹۸)، ویژگی های روان سنجی نسخه فارسی پرسشنامه بنیادهای اخلاقی در سه نمونه ایرانی، *شناخت اجتماعی*، سال هشتم، شماره اول، صفحه ۱۰۷-۱۲۴.
- نیکبخت، محمدرضا، مسلمان عبدل آبادی، امیر، سلیمانی فارسانی، آرش، شاهین فرد، ندا. (۱۴۰۲). *بررسی تاثیر هوش اخلاقی بر قضاوت حرفه ای حسابرسان. بررسیهای حسابداری و حسابرسی*، ناشر: دانشکده مدیریت دانشگاه تهران. دوره ۳۰، شماره ۴، صص. ۷۸۱-۷۹۷.
- Ahonen, L. & Degner, J. (2012). staff group unanimity in care of juveniles in institutional treatment: Routines, rituals, and relationships. Manuscript in preparation.
- Benatar, S., Upshur, R., & Gill, S. (2018). Understanding the relationship between ethics, neoliberalism and power as a step towards improving the health of people and our planet. *The Anthropocene Review*, 5(2), 155-176.
- Haidt, J., & Graham, J. (2007). When Morality Opposes Justice: Conservatives Have Moral Intuitions that Liberals may not Recognize. *Social Justice Research*, 20(1), 98-116
- Haidt, J., & Joseph, C. (2004). Intuitive ethics: How innately prepared intuitions generate culturally variable virtues. *Daedalus*, 133, 55-66.
- Kohlberg, L. (1958). The development of models of thinking and choices in years 10 to 16. PhD dissertation. University of Chicago.
- McLeod, J. (2017). Reframing responsibility in an era of responsibilities: Education, feminist ethics. Discourse: *Studies in the Cultural Politics of Education*, 38(1), 43-56.
- Mehrabian, A., & Epstein, N. A. (1972). A measure of emotional empathy. *Journal of Personality*, 40, 525-543.
- Oyarzún, J. D., Gerrard, J., & Savage, G. C. (2021). Ethics in neoliberalism? Parental responsibility and education policy in Chile and Australia. *Journal of Sociology*, 58 (3), 1-19.
- Phan, H.T., Nguyen, P.H., Nguyen, C.T., Thi Vo, T.T. & Nguyen, T.T. (2021). Effect of emotional intelligence on auditors' judgment and audit sustainability: Empirical evidence from Vietnam. *Problems and Perspectives in Management*, 19(2), 333-345.
- Rest, j. (1986). *Moral Development: Advances in research and theory*. New York: Praeger press.
- Termini, K., & Golden, J. (2007). Moral Behaviors: What Can Behaviorists Learn from the Developmental Literature? *International Journal of Behavioral Consultation and Therapy*, 3, 4, 477-493.
- Santrock, J.W. (2014). *Adolescence*, fifteenth edition. Published by McGraw-Hill Education, 2
- Swanson, L. H. & Hill, G. (1993). Metacognitive aspect of moral reasoning and behavior. *Adolescence*, 28, 711-725.